

روابط ساختاری خودبزرگ‌بینی با تجارب آسیب‌زای دوران کودکی: نقش میانجی قلدری سایبری در نوجوانان

طاهره روشنی^{۱*}

۱. نویسنده مسئول: دکترای روان‌شناسی، عضو هیات علمی گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: Roshani@pnu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۶

چکیده:

تجارب آسیب‌زای دوران کودکی می‌توانند تأثیرات بلندمدتی بر ویژگی‌های شخصیتی و رفتارهای اجتماعی افراد داشته باشند. پژوهش حاضر با هدف بررسی روابط ساختاری بین تجارب آسیب‌زای دوران کودکی و ویژگی خودبزرگ‌بینی، با نقش میانجی قلدری سایبری در نوجوانان انجام شد. این پژوهش از نوع همبستگی با روش تحلیل مسیر بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان مقاطع متوسطه اول و دوم ناحیه دو شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. نمونه‌ای به حجم ۳۹۰ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شد. ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه قلدری سایبری آنتیادو و همکاران (۲۱۰۶)، پرسشنامه ترومای دوران کودکی برنستاین و همکاران (۲۰۰۳) و مقیاس خودبزرگ‌بینی راسکین و تری (۱۹۸۸) بود. داده‌ها با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزارهای *spss ۲۶* و *Amose24* تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که تجارب آسیب‌زای دوران کودکی تأثیر مستقیم و معناداری بر قلدری سایبری ($\beta=.51$) و خودبزرگ‌بینی ($\beta=.58$) دارد. همچنین، قلدری سایبری تأثیر مستقیم و معناداری بر خودبزرگ‌بینی ($\beta=.71$) داشت. نتایج تحلیل میانجی نشان داد که قلدری سایبری نقش میانجی معناداری در رابطه بین تجارب آسیب‌زای دوران کودکی و خودبزرگ‌بینی ایفا می‌کند ($\beta=.58$, $P<.001$). شاخص‌های برازش مدل ($CFI=.964$, $RMSEA=.063$) نشان‌دهنده تناسب مطلوب مدل بودند. نتایج پژوهش نشان داد که تجارب آسیب‌زای دوران کودکی می‌توانند از طریق افزایش رفتارهای قلدری سایبری، ویژگی خودبزرگ‌بینی را در نوجوانان تقویت کنند. این یافته‌ها بر اهمیت شناسایی و مداخله زودهنگام در مورد تجارب آسیب‌زای دوران کودکی و طراحی برنامه‌های آموزشی و روان‌شناختی برای کاهش رفتارهای قلدری سایبری تأکید دارند.

کلیدواژه‌ها: تجارب آسیب‌زای دوران کودکی، خودبزرگ‌بینی، قلدری سایبری، نوجوانان، دانش‌آموزان.

استناد به این مقاله:

روشنی، طاهره. (۱۴۰۴). روابط ساختاری خودبزرگ‌بینی با تجارب آسیب‌زای دوران کودکی: نقش میانجی قلدری سایبری در نوجوانان. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۲۱(۳): ۷-۱۸. doi 10.22051/jontoe.2025.50036.4013

مقدمه

در عصر حاضر، گسترش فناوری‌های ارتباطی و دیجیتالی، فرصت‌ها و چالش‌های بی‌سابقه‌ای را برای جوامع بشری به همراه داشته است (بنیته سلیرو و همکاران، ۲۰۲۴، ص. ۳۲). یکی از پیامدهای منفی این پیشرفت‌ها، ظهور پدیده قلدری سایبری^۱ است که به‌ویژه در میان نوجوانان و دانش‌آموزان به مسئله‌ای جدی و نگران‌کننده تبدیل شده (هوانگ، ۲۰۲۵) و یک مشکل فراگیر در سطح جهانی است (فرید و مصلح، ۱۴۰۱، ص. ۱). قلدری سایبری به‌عنوان نوعی از خشونت روانی و اجتماعی^۲ که از طریق ابزارهای دیجیتال مانند شبکه‌های اجتماعی، پیام‌رسان‌ها و بازی‌های آنلاین صورت می‌گیرد، می‌تواند پیامدهای روان‌شناختی و رفتاری عمیقی بر قربانیان و حتی عاملان آن داشته باشد (کیرکابورون و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۱۲). در این میان، مطالعه عوامل روان‌شناختی و تجربیات زندگی که ممکن است به شکل‌گیری رفتارهای قلدری سایبری منجر شوند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (لی و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۴).

پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که قلدری سایبری در میان نوجوانان و دانش‌آموزان، به دلیل ویژگی‌های خاص این گروه سنی، شیوع بیشتری دارد (ناگاتا، ترامپتر و سینگ، ۲۰۲۲، ص. ۹). نوجوانی دوره‌ای حساس از رشد است که در آن افراد به‌دنبال هویت‌یابی، پذیرش اجتماعی و استقلال هستند (سان و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۱۷). در این دوره، شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی به بستری برای تعاملات اجتماعی تبدیل می‌شوند و در عین حال، زمینه‌ساز رفتارهای پرخاشگرانه و آسیب‌زا مانند قلدری سایبری می‌گردند (آکارسو، بوداک و اوکانلی، ۲۰۲۲، ص. ۳). نتایج تحقیقات در مورد پیامدهای قلدری نشان داده‌اند که قلدری موجب ترس و غیبت از مدرسه و ایجاد وقفه در پیشرفت تحصیلی می‌شود (طاوولی و زند نژاد، ۱۴۰۲، ص. ۳).

بر اساس گزارش یونیسف^۳ حدود ۲۰ درصد از نوجوانان در سراسر جهان تجربه قلدری سایبری را گزارش کرده‌اند و این پدیده به‌طور مستقیم با مشکلاتی مانند افسردگی، اضطراب، کاهش اعتمادبه‌نفس و حتی افکار خودکشی در میان قربانیان مرتبط است (کائو و همکاران، ۲۰۲۳، ص. ۴۳). همچنین، عاملان قلدری سایبری نیز ممکن است به دلیل رفتارهای پرخاشگرانه خود، در معرض مشکلات روان‌شناختی و اجتماعی قرار گیرند، از جمله احساس گناه، انزوای اجتماعی و کاهش عملکرد تحصیلی (گنگ و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۱۱).

پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که عوامل متعددی در بروز رفتارهای قلدری سایبری نقش دارند که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی و تجربیات زیسته افراد اشاره کرد (لی، هیوبنر و تیان، ۲۰۲۴، ص. ۴). یکی از مفاهیم کلیدی در این زمینه، خودبزرگ‌بینی^۴ است. خودبزرگ‌بینی به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی که با احساس برتری، نیاز به تأیید دیگران و کمبود همدلی همراه است، می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در رفتارهای قلدری ایفا کند (لی، آینیوار و ژانگ، ۲۰۲۴، ص. ۲۲). تحقیقات نشان داده‌اند که افراد خودبزرگ‌بین ممکن است برای تقویت تصویر خود و جلب توجه دیگران، به رفتارهای قلدری از جمله قلدری سایبری روی آورند (لی، لیو و یو، ۲۰۲۲، ص. ۱۶). تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که این ویژگی شخصیتی می‌تواند در میان نوجوانان و دانش‌آموزان، به‌ویژه در فضای مجازی، تشدید شود (سیلوا و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۱۱). مطالعه‌ای توسط چن و ژو (۲۰۲۲، ص. ۶). نشان داد که نوجوانان دارای ویژگی‌های خودبزرگ‌بینی، به دلیل نیاز به جلب توجه و احساس قدرت، بیشتر درگیر رفتارهای قلدری سایبری می‌شوند. این افراد اغلب از فضای مجازی به‌عنوان بستری برای تقویت تصویر خود و تسلط بر دیگران استفاده می‌کنند، چرا که محیط آنلاین به دلیل کاهش بازخوردهای مستقیم و امکان ناشناس بودن، زمینه‌ساز رفتارهای پرخاشگرانه و بدون پیامد فوری است (شن، ۲۰۲۴: ۳۶). علاوه بر این، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که خودبزرگ‌بینی در نوجوانان می‌تواند با کاهش همدلی و افزایش رفتارهای خصمانه همراه باشد، که این عوامل خود به‌طور مستقیم در بروز رفتارهای قلدری سایبری نقش دارند (بینگ و هان، ۲۰۲۴، ص. ۲۲).

1. Cyberbullying
 2. Psychological and social violence
 3. UNICEF
 4. Narcissism



از سوی دیگر، تروماهای دوران کودکی^۱ به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد روان‌شناختی و شخصیتی افراد، می‌تواند زمینه‌ساز بروز رفتارهای پرخاشگرانه و ناسازگارانه در نوجوانی و بزرگسالی باشد (کائو و همکاران، ۲۰۲۴، ص. ۹). تجربیات ناخوشایند دوران کودکی، از جمله سوءاستفاده‌های جسمی، عاطفی یا غفلت، می‌توانند تأثیرات بلندمدتی بر ساختارهای روان‌شناختی و روابط اجتماعی افراد داشته باشند (چن، ۲۰۲۴، ص. ۳۲). شواهد پژوهشی نشان می‌دهند که چنین تجربیاتی ممکن است با افزایش احتمال بروز ویژگی‌های خودبزرگ‌بینی و رفتارهای پرخاشگرانه مرتبط باشند (داشباش و همکاران، ۲۰۲۴، ص. ۲۵). از سوی دیگر، تروماهای دوران کودکی به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد روان‌شناختی و شخصیتی افراد، می‌تواند زمینه‌ساز بروز رفتارهای پرخاشگرانه و ناسازگارانه در نوجوانی و بزرگسالی باشد (فانگ و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۱۳). تجربیات ناخوشایند دوران کودکی، از جمله سوءاستفاده‌های جسمی، عاطفی یا غفلت، می‌توانند تأثیرات بلندمدتی بر ساختارهای روان‌شناختی و روابط اجتماعی افراد داشته باشند (کیرکابورون و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۵). شواهد پژوهشی نشان می‌دهند که چنین تجربیاتی ممکن است با افزایش احتمال بروز ویژگی‌های خودبزرگ‌بینی و رفتارهای پرخاشگرانه مرتبط باشند (مترلیلیوز و اولویول، ۲۰۲۴، ص. ۲).

در این راستا، مدل‌یابی روابط ساختاری میان خودبزرگ‌بینی و تروماهای دوران کودکی بر اساس قلدری سایبری، می‌تواند به درک عمیق‌تری از این پدیده کمک کند. نتایج این مطالعه می‌تواند به روشن‌تر شدن سازوکارهای روان‌شناختی و اجتماعی مرتبط با قلدری سایبری کمک کرده و زمینه‌ساز طراحی مداخلات پیشگیرانه و درمانی مؤثر برای کاهش این پدیده در میان نوجوانان باشد. همچنین این مطالعه با هدف بررسی این روابط در میان دانش‌آموزان دوره دوم مقطع متوسطه انجام شده است. انتخاب این گروه سنی به دلیل حساسیت دوره نوجوانی و تأثیرات پایدار تجربیات این دوره بر شخصیت و رفتار اجتماعی افراد، اهمیت ویژه‌ای دارد.

روش‌شناسی پژوهش

طرح پژوهش و شرکت‌کنندگان: پژوهش حاضر به لحاظ هدف، بنیادین و به لحاظ روش از نوع مطالعات همبستگی از نوع تحلیل مسیر است. جامعه آماری پژوهش را تمامی دانش‌آموزان پایه‌های متوسطه اول و دوم ناحیه دو شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ تشکیل دادند. تعداد کل این دانش‌آموزان ۲۸,۱۴۳ نفر بود. بر اساس نظر کلاین (۲۰۱۱) مبنی بر انتخاب ۱۰ الی ۲۰ نمونه به ازای هر پارامتر، تعداد نمونه اولیه ۴۹۰ نفر و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. پس از حذف نمونه‌های مفقود و نمونه‌هایی که از نظر آماری پرت بودند، تعداد ۳۹۰ نمونه به‌عنوان نمونه نهایی در نظر گرفته شد. بر این اساس، مدارس این ناحیه از شهر تهران به دو دسته متوسطه اول و دوم تقسیم شدند و از هر دسته یک مدرسه دولتی و یک مدرسه غیرانتفاعی به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و در ادامه، از هر مدرسه چهار کلاس به‌صورت تصادفی (در مجموع چهار مدرسه و شانزده کلاس) برای اجرای پرسشنامه‌ها در نظر گرفته شد. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۱۵/۷ سال (با انحراف معیار ۰/۶۷) بود. از نظر تحصیلات والدین، ۴۱ درصد از پدرها و ۳۵ درصد از مادرها دارای مدرک دیپلم (بیشتر در مدارس دولتی)، ۲۵ درصد از پدرها و ۱۸ درصد از مادرها دارای مدرک کاردانی، ۱۷ درصد از پدرها و ۳۷ درصد از مادرها دارای مدرک کارشناسی، و مابقی دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکترا (بیشتر در مدارس غیرانتفاعی) بودند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل رضایت برای شرکت در پژوهش، داشتن حداقل ۱۴ (پایه نهم) و حداکثر ۱۸ سال سن، توانایی خواندن و فهم سوالات پرسشنامه و ملاک‌های خرنج نیز پاسخ دهی ناقص به پرسشنامه‌ها یا خالی گذاشتن برخی پرسشنامه‌ها بود. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه قلدری-قربانی سایبری آنتیاد و همکاران (۲۰۱۶)، پرسشنامه ترومای دوران کودکی برنستاین و همکاران (۲۰۰۳) و مقیاس خودبزرگ‌بینی راسکین و تری (۱۹۸۸) به‌صورت گروهی استفاده شد.

پرسشنامه تجربه قلدری - قربانی سایبری^۱: آنتیادو و همکاران (۲۰۱۶) این ابزار را که یک پرسشنامه ۲۴ گویه‌ای است، به منظور سنجش تجربه قلدری - قربانی سایبری در بین نوجوانان طراحی و تدوین کردند. این پرسشنامه دارای دو مؤلفه یا عامل است: عامل قربانی قلدری سایبری^۲ (۱۲ گویه) و عامل قلدری سایبری^۳ (۱۲ گویه). با توجه به موضوع پژوهش حاضر، تنها گویه‌های مربوط به عامل قلدری سایبری اجرا شد. پاسخ‌دهی به گویه‌های پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (هرگز = ۱ تا هر روز = ۵) صورت می‌گیرد. کمترین نمره ممکن در این پرسشنامه ۱۲ و بیشترین نمره ۶۰ است. نمره بالاتر نشان‌دهنده میزان بیشتر قلدری سایبری در فرد است. در بررسی شاخص‌های روان‌سنجی این پرسشنامه، آنتیادو و همکاران (۲۰۱۶) از آلفای کرونباخ استفاده کردند که ضرایب به‌دست‌آمده برای عامل قلدری سایبری برابر با ۰/۸۹، و برای عامل قربانی سایبری ۰/۸۰، و برای کل پرسشنامه ۰/۹۱، گزارش کردند. همچنین با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی شاخص‌های برازندگی مجذور کای نرمال شده ۰/۹۷، ریشه میانگین مجذورات تقریب ۰/۳۱، و شاخص برازش تطبیقی ۰/۹۷، به‌عنوان شواهدی از روایی سازه ابزار گزارش شده‌اند. در پژوهشی که در ایران انجام شده است (بشرپور و همکاران، ۱۳۹۸)، ضرایب آلفای کرونباخ برای عامل قلدری، قربانی و کل مقیاس به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۸، ۰/۷۹، گزارش شده‌اند. همچنین، پژوهشگران با استفاده از شاخص‌های تحلیل عاملی تأییدی (شاخص برازش نرمال شده ۰/۹۱، ریشه میانگین مجذورات تقریب ۰/۷۱، و شاخص برازش تطبیقی ۰/۹۲) نشان دادند که این ابزار از روایی سازه مناسبی برخوردار است. در پژوهش حاضر، برای تعیین شاخص‌های روان‌سنجی، آلفای کرونباخ برای عامل قربانی قلدری سایبری ۰/۶۱، گزارش شد. افزون بر این، روایی محتوایی و صوری پرسشنامه نیز به‌صورت کیفی توسط متخصصان مورد تأیید مجدد قرار گرفت.

پرسشنامه ترومای دوران کودکی^۴: این ابزار توسط برنستاین و همکاران (۲۰۰۳) به منظور سنجش آسیب‌ها و ترومای دوران کودکی ساخته شده است. این پرسشنامه هم برای بزرگسالان و هم برای نوجوانان قابل استفاده می‌باشد که در پژوهش حاضر به منظور سنجش ترومای دوران کودکی از آن استفاده شده است. در این ابزار پنج مؤلفه به بررسی پنج نوع از بدرفتاری در دوران کودکی می‌پردازد که عبارت‌اند از سوءاستفاده جنسی^۵، سوء استفاده جسمی^۶، سوء استفاده عاطفی^۷، غفلت عاطفی^۸ و غفلت جسمی^۹. این پرسشنامه ۲۸ گویه دارد که ۲۵ گویه آن برای سنجش مؤلفه‌های اصلی پرسشنامه به‌کار می‌رود و ۳ گویه (گویه‌های ۱۰، ۱۶ و ۲۲) برای تشخیص افرادی که مشکلات دوران کودکی خود را انکار می‌کنند طراحی شده است. چنانچه مجموع نمرات فرد در این سه گویه ۱۲ و بالاتر باشد، به احتمال زیاد پاسخ‌های فرد نامعتبر است. پاسخ‌گویی بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (هرگز = ۱ تا همیشه = ۵) است و دامنه نمرات برای هر یک از زیرمقیاس‌ها ۵ تا ۲۵ و برای کل پرسشنامه ۲۵ تا ۱۲۵ است. نمرات بالاتر در هر مقیاس و در کل نشان‌دهنده آسیب بیشتر در آن مقیاس و در مجموع است. در پژوهشی (برنستاین و همکاران، ۲۰۰۳) ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه بر روی گروهی از نوجوانان برای ضرایب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های سوء استفاده عاطفی، سوء استفاده جسمی، سوء استفاده جنسی، غفلت عاطفی و غفلت جسمی به ترتیب برابر با ۰/۸۷، ۰/۸۶، ۰/۹۵، ۰/۸۹ و ۰/۷۸، گزارش شده است. همچنین، روایی همزمان این ابزار با درجه‌بندی درمانگران از میان ترومای کودکی در دامنه ۰/۵۹ تا ۰/۷۸، گزارش شده است. در ایران نیز در مطالعه‌ای (سلیمانی، لشگری و ترابی، ۲۰۲۱)، با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، شاخص‌های برازندگی شامل مجذور کای نرمال شده ۰/۵۸۸، ریشه میانگین مجذورات تقریب ۰/۷۸، و شاخص

1. Cyber-Bullying/Victimization Experiences Questionnaire
2. Cyber-victimization (CV)
3. Cyber-bullying (CB)
4. Childhood Trauma Questionnaire (CTQ)
5. Sexual abuse
6. Physical abuse
7. Emotional abuse
8. Emotional neglect
9. Physical neglect



برازش مقایسه‌ای ۹۲٪ را به‌عنوان شواهدی از روایی سازه ابزار گزارش شده‌اند. همین پژوهشگران، آلفای کرونباخ ۸۴٪ را برای این ابزار گزارش کردند. لازم به ذکر است که روایی محتوایی و صوری پرسشنامه نیز به شیوه کیفی توسط متخصصان تأیید شده است. در پژوهش حاضر، برای تعیین شاخص‌های روان‌سنجی این ابزار، آلفای کرونباخ ۷۲٪ برای کل پرسشنامه به‌دست آمد.

سیاهه شخصیت خودشیفته (NPI-16): این پرسشنامه توسط آمز و همکاران (۲۰۰۶) ساخته شده است و شامل ۱۶ گویه می‌باشد که شرکت‌کنندگان حق انتخاب یکی از آنها را دارند. برای هر گویه انتخاب شده از ردیف الف (یک) امتیاز و برای هر گویه انتخاب شده از ردیف ب (صفر) امتیاز در نظر گرفته می‌شود. برای به‌دست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، کل امتیازات تمام گویه‌ها با هم جمع می‌شوند که امتیاز دامنه از ۰ تا ۱۶ را خواهد داشت. امتیاز بالاتر بیان‌کننده خودشیفتگی بالاتر فرد خواهد بود و برعکس. به‌عنوان یک نقطه برش، امتیاز ۸ به بالا بیان‌کننده شخصیت خودشیفته در فرد است. ضرایب پایایی بازآزمایی گزارش شده در فاصله پنج هفته، ۸۵٪ و میزان همبستگی این پرسشنامه با پرسشنامه ۴۰ سوالی خودشیفتگی راسکین و تری (۱۹۹۸)، ۹۰٪ به‌دست آمد (آمز و همکاران، ۲۰۰۶). در پژوهش محمدزاده (۱۳۸۸)، ضریب پایایی بازآزمایی چهار هفتگی و ضریب همبستگی در تعیین پایایی تصنیفی در سنجش همسانی درونی به ترتیب ۸۴٪ و ۷۴٪ و ضریب همبستگی میان نمرات پرسشنامه شخصیت خودشیفته NPI-16 و مقیاس خودشیفتگی میلون (MCM.II)² محاسبه شده است. پایایی پرسشنامه در پژوهش نوروزی و همکاران (۲۰۲۲) با استفاده از فرمول کودر-ریچاردسون محاسبه و برابر با ۷۶٪ به‌دست آمد. در پژوهش حاضر نیز ضریب همسانی درونی به روش کودر-ریچاردسون برای این پرسشنامه ۷۰٪ به‌دست آمد.

روش اجرا: پس از اخذ مجوزهای لازم از اداره آموزش و پرورش استان تهران برای انجام پژوهش به مدارس متوسطه ناحیه دو شهر تهران مراجعه شد. از میان جامعه آماری ۴۸۰ دانش‌آموز به‌عنوان نمونه اولیه در نظر گرفته شد که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه بر روی آنها اجرا شد. برای این کار چهار مدرسه تعیین شد (دو مدرسه متوسطه یکم و دو مدرسه متوسطه دوم) که در هر مقطع یک مدرسه دولتی و یک مدرسه غیرانتفاعی را شامل می‌شد. پس از حذف پرسشنامه‌های مفقود (۲۳ پرسشنامه)، ۴۵۷ نمونه به مرحله تحلیل آماری رسیدند. در ادامه با کنار گذاشتن پرسشنامه‌هایی که با محاسبه فاصله ماهالانویس ۵ به‌عنوان داده پرت شناسایی شدند (۷۷ پرسشنامه)، تعداد ۳۸۰ پرسشنامه به‌عنوان نمونه نهایی وارد تحلیل آماری شدند. برای گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ها با در نظر گرفتن ملاک‌های خروج و ورود و ارائه توضیحات لازم در زمینه هدف پژوهش و نحوه پاسخ‌دهی به‌صورت گروهی (کلاس به کلاس) در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت. لازم به ذکر است تمامی پرسشنامه‌های این پژوهش توسط دانش‌آموزان تکمیل و در اجرای آن تمام ملاحظات اخلاقی رعایت شده است. در پایان شاخص‌های آمار توصیفی با نسخه ۲۶ نرم‌افزار SPSS و مدل‌یابی معادلات ساختاری با نسخه ۲۴ نرم‌افزار Amose استخراج شد.

یافته‌های پژوهش

در این مطالعه از میان دانش‌آموزانی که وارد تحلیل آماری شدند، در نهایت داده‌های مربوط به ۳۸۰ نمونه مورد تحلیل قرار گرفت، سایر داده‌ها به دلیل ناقص بودن یا پرت بودن (با محاسبه فاصله ماهالانویس) از تحلیل خارج شدند. شرکت‌کنندگان در میانگین و انحراف استاندارد سنی $15/7 \pm 6/7$ سال قرار داشتند. در ادامه اطلاعات توصیفی و ضرایب همبستگی پیرسون در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱. یافته‌های توصیفی و ضرایب همبستگی بین متغیرها

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
خودبزرگ‌بینی	۱	۰.۳۶	۰.۲۸	۰.۲۴	۰.۲۱	۰.۲۶	۰.۲۳	۸.۳۲	۲.۱۵	۰.۲۵	-۰.۱۸
قلدری سایبری	۰.۳۶	۱	۰.۴۱	۰.۳۸	۰.۳۵	۰.۳۹	۰.۳۷	۳۴.۲۱	۶.۴۵	۰.۱۲	-۰.۳۴
سوءاستفاده عاطفی	۰.۲۸	۰.۴۱	۱	۰.۵۸	۰.۳۳	۰.۶۸	۰.۶۶	۱۲.۸۵	۳.۹۸	-۰.۱	-۰.۰۹
سوءاستفاده جسمی	۰.۲۴	۰.۳۸	۰.۵۸	۱	۰.۵۳	۰.۴۵	۰.۴۹	۱۰.۴۳	۴.۲۱	۰.۱	-۰.۱۱
سوءاستفاده جنسی	۰.۲۱	۰.۳۵	۰.۳۳	۰.۵۳	۱	۰.۲	۰.۲۹	۸.۱۲	۳.۱۴	۰.۱۹	-۰.۲۵
غفلت عاطفی	۰.۲۶	۰.۳۹	۰.۶۸	۰.۴۵	۰.۲	۱	۰.۷۲	۱۵.۳۲	۴.۵۶	-۰.۲	-۰.۲۲
غفلت جسمی	۰.۲۳	۰.۳۷	۰.۶۶	۰.۴۹	۰.۲۹	۰.۷۲	۱	۹.۸۷	۳.۴۵	۰.۰۸	-۰.۱۲

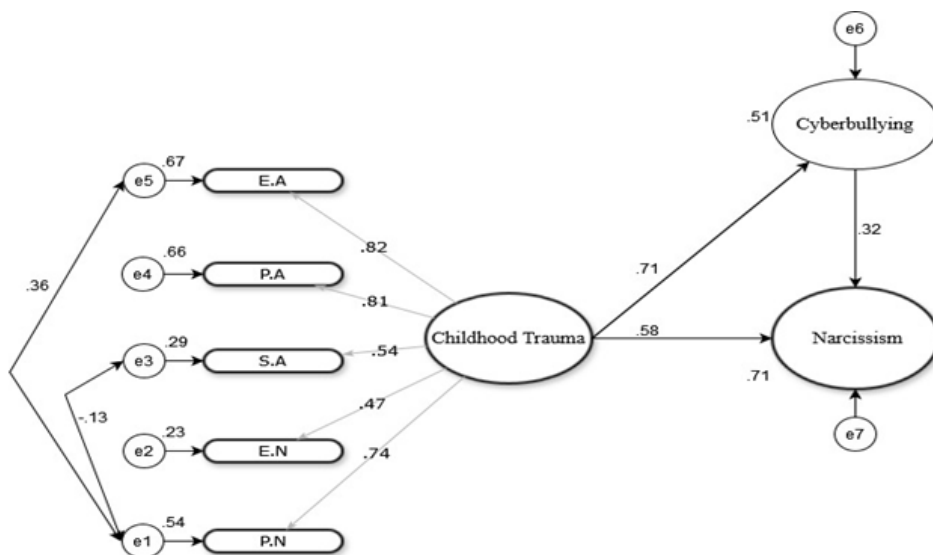
مندرجات جدول شماره ۱ نشان می‌دهد خودبزرگ‌بینی با میانگین ۸/۳۲ و انحراف معیار ۲/۱۵ پراکندگی کمی دارد و توزیع آن تقریباً نرمال است. کجی (۰/۲۵) و کشیدگی (۰/۱۸-) نشان می‌دهد که توزیع این متغیر کمی به سمت راست متمایل است. قلدری سایبری با میانگین ۳۴/۲۱ و انحراف معیار ۶/۴۵ پراکندگی متوسطی دارد و کجی (۰/۱۲) و کشیدگی (۰/۳۴-) نشان‌دهنده توزیع کمی پهن‌تر از نرمال است. ابعاد تجارب آسیب‌زای دوران کودکی نیز پراکندگی متفاوتی دارند؛ برای نمونه، غفلت عاطفی با میانگین ۱۵/۳۲ و انحراف معیار ۴/۵۶ بیشترین پراکندگی را نشان می‌دهد، در حالی که سوء استفاده جنسی با میانگین ۸/۱۲ و انحراف معیار ۳/۱۴ کمترین پراکندگی را دارد. ضرایب همبستگی نشان می‌دهد که خودبزرگ‌بینی و قلدری سایبری رابطه مثبت و معناداری دارند. این رابطه نشان می‌دهد که نوجوانانی که نمرات بالاتری در خودبزرگ‌بینی دارند، رفتارهای قلدری سایبری بیشتری از خود نشان می‌دهند. قلدری سایبری نیز با تمامی ابعاد تجارب آسیب‌زای دوران کودکی رابطه مثبت و معناداری دارد، به‌ویژه با سوء استفاده عاطفی و غفلت عاطفی. این نتایج نشان می‌دهد که نوجوانانی که تجارب آسیب‌زای بیشتری در دوران کودکی داشته‌اند، احتمال بیشتری برای درگیر شدن در رفتارهای قلدری سایبری دارند. همچنین، رابطه مثبت بین تجارب آسیب‌زای دوران کودکی و خودبزرگ‌بینی نشان می‌دهد که این تجارب می‌توانند با ویژگی‌های شخصیتی خودبزرگ‌بینی مرتبط باشند.

این نتایج تأیید می‌کند که قلدری سایبری می‌تواند نقش میانجی در رابطه بین تجارب آسیب‌زای دوران کودکی و خودبزرگ‌بینی ایفا کند. به‌عبارت دیگر، تجارب آسیب‌زای دوران کودکی ممکن است از طریق افزایش رفتارهای قلدری سایبری بر ویژگی‌های خودبزرگ‌بینی تأثیر بگذارد. شاخص‌های کجی و کشیدگی نیز نشان می‌دهد که داده‌ها از توزیع مناسبی برای انجام تحلیل‌های آماری برخوردارند. لذا پیش فرض فاصله‌ای بودن مقیاس اندازه‌گیری متغیرها محقق شده است. میزان شاخص چولگی بین ۳- و ۳+ و میزان شاخص کشیدگی بین ۱۰- و ۱۰+ قرار داشت، بنابراین شاخص پیشفرض نرمال بودن توزیع متغیرها محقق شد. پیش فرض هم خطی چندگانه متغیرها نیز محقق شده است زیرا مقادیر شاخص تحمل^۱ محاسبه شده مطلوب و مقادیر شاخص VIF محاسبه شده از حد بحرانی ۱۰ کمتر است. برای بررسی پیش فرض استقلال منابع خطای متغیرها از شاخص دوربین-واتسون استفاده شد. این پیش فرض نیز محقق شده است؛ چراکه مقدار دوربین-واتسون محاسبه شده (۲/۱۲) در بین دو حد بحرانی (۱/۵-۲/۵) قرار دارد. از آنجا که تمامی پیش فرض‌های مدل تحلیل مسیر محقق شده است، لذا برای تحلیل داده‌های مربوط به فرضیه پژوهش از روش تحلیل مسیر استفاده شد که مدل پژوهش در شکل شماره ۱ و جدول شماره ۲ ضرایب مسیر متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول شماره ۲. شاخص‌های برازندگی مدل مفهومی پژوهش

معیار تصمیم‌گیری	مدل اصلاح‌شده	مدل پژوهش اولیه	شاخص‌های برازش
-	۷۴/۸۳۵	۱۰۲/۴۷۹	خطای کمینه گرادیان
-	۲۳	۲۵	درجه آزادی
بین ۱ تا ۵	۲/۱۵۲	۴/۱۳۹	نسبت کای دو به درجه آزادی
بیشتر از ۰/۹۰	۰/۹۶۴	۰/۹۲۹	شاخص برازش تطبیقی
بیشتر از ۰/۹۰	۰/۹۴۹	۰/۹۳	شاخص برازش هنجار شده
بیشتر از ۰/۵۰	۰/۶۰۷	۰/۵۵۷	شاخص برازش مقتصد هنجار شده
بیشتر از ۰/۵۰	۰/۶۱۶	۰/۵۹	شاخص برازش تطبیقی مقتصد
بیشتر از ۰/۹۰	۰/۹۶۴	۰/۹۰۶	شاخص برازش افزایشی
بیشتر از ۰/۰۸	۰/۰۶۳	۰/۰۹۳	مجذور میانگین مربعات خطای تقریب

شاخص‌های برازندگی مدل مفهومی پژوهش نشان می‌دهند که مدل اصلاح‌شده نسبت به مدل اولیه بهبود قابل توجهی در برازش دارد. در مدل اولیه، نسبت کای دو به درجه آزادی برابر با ۴/۱۳۹ است که در محدوده قابل قبول (بین ۱ تا ۵) قرار دارد، اما در مدل اصلاح‌شده این مقدار به ۲/۱۵۲ کاهش یافته است که نشان‌دهنده بهبود در برازش مدل است. شاخص برازش تطبیقی در مدل اولیه برابر با ۰/۹۲۹ بوده و در مدل اصلاح‌شده به ۰/۹۶۴ افزایش یافته است، که هر دو مقدار نشان‌دهنده برازش خوب مدل هستند (بیشتر از ۰/۹۰). شاخص برازش هنجار شده نیز از ۰/۹۳۰ در مدل اولیه به ۰/۹۴۹ در مدل اصلاح‌شده افزایش یافته است، که این شاخص نیز در هر دو مدل بالاتر از حد مطلوب (۰/۹۰) است. شاخص‌های مقتصد هنجار شده و تطبیقی مقتصد در مدل اولیه به ترتیب برابر با ۰/۵۵۷ و ۰/۵۹۰ هستند، که در مدل اصلاح‌شده به ۰/۶۰۷ و ۰/۶۱۶ افزایش یافته‌اند. این مقادیر نشان می‌دهند که مدل اصلاح‌شده از نظر مقتصد بودن (ساده‌تر بودن و تناسب با داده‌ها) نیز بهبود یافته است، زیرا هر دو مقدار بالاتر از حد مطلوب (۰/۵۰) هستند. شاخص برازش افزایشی نیز از ۰/۹۰۶ در مدل اولیه به ۰/۹۶۴ در مدل اصلاح‌شده افزایش یافته است، که نشان‌دهنده بهبود در برازش مدل است. در نهایت، مجذور میانگین مربعات خطای تقریب از ۰/۹۳ در مدل اولیه به ۰/۰۶۳ در مدل اصلاح‌شده کاهش یافته است. این مقدار در مدل اصلاح‌شده کمتر از حد مطلوب (۰/۰۸) است، که نشان‌دهنده برازش بهتر مدل اصلاح‌شده با داده‌ها است. به‌طور کلی، تمامی شاخص‌ها نشان می‌دهند که مدل اصلاح‌شده نسبت به مدل اولیه بهبود یافته و به‌طور کلی از برازش مناسبی برخوردار است. این نتایج حاکی از آن است که مدل اصلاح‌شده به‌خوبی با داده‌های پژوهش مطابقت دارد و می‌تواند به‌عنوان یک مدل مفهومی مناسب برای تبیین روابط بین متغیرها مورد استفاده قرار گیرد. بر این اساس می‌توان گفت که مدل پیشنهادی از برازش مطلوبی برخوردار است. در ادامه در شکل شماره ۱، ضرایب مسیر هر یک از متغیرها ارائه شده است.



شکل شماره ۱. مدل عملیاتی پژوهش

مدل شکل ۱ نشان می‌دهد که تجارب آسیب‌زای دوران کودکی تأثیر مستقیم و معناداری بر قلدری سایبری و خودبزرگ‌بینی دارد. همچنین، قلدری سایبری به‌عنوان یک متغیر میانجی نقش مهمی در انتقال تأثیر تجارب آسیب‌زای دوران کودکی به خودبزرگ‌بینی ایفا می‌کند. بارهای عاملی بالا برای مؤلفه‌های سوء استفاده عاطفی و جسمی نشان می‌دهد که این دو مؤلفه از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری تجارب آسیب‌زای دوران کودکی هستند. به‌طور کلی، مدل از برازش مناسبی برخوردار است و روابط مفروض بین متغیرها را به‌خوبی توضیح می‌دهد. در ادامه در جدول شماره ۳ نتایج اثرات مستقیم در مدل ارائه شده است.

جدول شماره ۳. ضرایب مسیر مستقیم و معناداری متغیرها مدل ساختاری

سطح معناداری	T	خطای استاندارد	بتای غیر استاندارد	بتای استاندارد	مسیر
$P < .0001$	۴.۸	۱.۰	۸۴.۰	۸۲.۰	سوء استفاده عاطفی → تجارب آسیب‌زای دوران کودکی
$P < .0001$	۵۵.۷	۱۱.۰	۸۳.۰	۸۱.۰	سوء استفاده جسمی → تجارب آسیب‌زای دوران کودکی
$P < .0001$	۴	۱۴.۰	۵۶.۰	۵۴.۰	سوء استفاده جنسی → تجارب آسیب‌زای دوران کودکی
$P < .0001$	۳۳.۶	۱۲.۰	۷۶.۰	۷۴.۰	غفلت عاطفی → تجارب آسیب‌زای دوران کودکی
$P < .0001$	۲۷.۳	۱۵.۰	۴۹.۰	۴۷.۰	غفلت جسمی → تجارب آسیب‌زای دوران کودکی
$P < .0001$	۶۷.۵	۰.۹.۰	۵۳.۰	۵۱.۰	تجارب آسیب‌زای دوران کودکی → قلدری سایبری
$P < .0001$	۲۵.۷	۰.۸.۰	۶۱.۰	۵۸.۰	تجارب آسیب‌زای دوران کودکی → خودشیفتگی
$P < .0001$	۱.۱۰	۰.۷.۰	۷۳.۰	۷۱.۰	قلدری سایبری → خودشیفتگی

مدل ساختاری نشان می‌دهد که متغیر نهفته تجارب آسیب‌زای دوران کودکی به‌وسیله پنج مؤلفه اصلی تعریف شده است. ضرایب بتای استاندارد نشان می‌دهند که سوء استفاده عاطفی و سوء استفاده جسمی بیشترین تأثیر را در تعریف این متغیر دارند، در حالی که غفلت جسمی و سوء استفاده جنسی کمترین تأثیر را دارند. غفلت عاطفی نیز با ضریب بتای استاندارد ۷۴٪، تأثیر قابل توجهی در تعریف تجارب آسیب‌زای دوران کودکی دارد. تمامی این ضرایب معنادار هستند، زیرا مقادیر t برای تمامی مسیرها از مقدار بحرانی $1/96$ فراتر رفته و سطح معناداری کمتر از 0.05 است. تجارب آسیب‌زای دوران کودکی تأثیر مستقیمی بر قلدری سایبری با ضریب بتای استاندارد 0.51 و بر خودشیفتگی با ضریب بتای استاندارد 0.58 دارد. این ضرایب نشان می‌دهند که تجارب آسیب‌زای دوران کودکی به‌طور مثبت و معناداری با افزایش رفتارهای قلدری سایبری و ویژگی‌های خودشیفتگی مرتبط هستند. همچنین، قلدری سایبری تأثیر مستقیمی بر خودشیفتگی دارد، با ضریب بتای استاندارد 0.71 ، که نشان‌دهنده تأثیر قوی و مثبت این متغیر بر خودشیفتگی است. این رابطه نشان می‌دهد که رفتارهای



قلدری سایبری می‌تواند ویژگی‌های خودشیفتگی را تقویت کند. تمامی ضرایب مسیر معنادار هستند، زیرا مقدار t برای تمامی مسیرها بیشتر از $1/96$ و سطح معناداری کمتر از 0.05 است. خطاهای استاندارد برای هر مسیر نشان می‌دهند که مقادیر مشاهده شده تا چه حد با مقادیر پیش‌بینی شده توسط مدل مطابقت دارند. به‌عنوان مثال، خطای استاندارد برای مسیر تجارب آسیب‌زای دوران کودکی به قلدری سایبری برابر با 0.12 است، که نشان‌دهنده دقت بالای مدل در پیش‌بینی این رابطه است. همچنین، خطای استاندارد برای مسیر قلدری سایبری به خودشیفتگی برابر با 0.09 است، که نشان‌دهنده دقت بالای این مسیر نیز می‌باشد. واریانس تبیین شده برای قلدری سایبری برابر با 0.51 است، که نشان می‌دهد ۵۱ درصد از تغییرات در قلدری سایبری توسط تجارب آسیب‌زای دوران کودکی توضیح داده می‌شود. برای خودشیفتگی، واریانس تبیین شده برابر با 0.71 است، که نشان می‌دهد ۷۱ درصد از تغییرات در خودشیفتگی توسط تجارب آسیب‌زای دوران کودکی و قلدری سایبری توضیح داده می‌شود. این مقادیر نشان‌دهنده قدرت بالای مدل در توضیح متغیرهای وابسته هستند. در ادامه نتایج تحلیل میانجی در جدول شماره ۴ ارائه گردیده شده است.

جدول شماره ۴. جدول اثر میانجی مدل معادلات ساختاری

مسیر	اثر غیرمستقیم (داده)	اثر غیرمستقیم (بوت‌استرپ)	سوگیری	حد پایین	حد بالا	سطح معناداری
تجارب آسیب‌زای دوران کودکی → قلدری سایبری → خودشیفتگی	۳۶.۰	۳۵.۰	۰.۱۰	۲۸.۰	۴۲.۰	$P < 0.001$

مدل نشان می‌دهد که قلدری سایبری به‌عنوان یک متغیر میانجی، رابطه میان تجارب آسیب‌زای دوران کودکی و خودشیفتگی را توضیح می‌دهد. اثر غیرمستقیم این مسیر برابر با 0.36 است که با استفاده از روش بوت‌استرپ تأیید شده و مقدار آن 0.35 محاسبه شده است. سوگیری بسیار اندک (0.01) نشان می‌دهد که برآورد اثر میانجی دقیق است. حد پایین فاصله اطمینان برابر با 0.28 و حد بالای آن برابر با 0.42 است که هر دو در سطح معناداری کمتر از 0.001 قرار دارند. این نتایج نشان می‌دهند که اثر میانجی قلدری سایبری در رابطه بین تجارب آسیب‌زای دوران کودکی و خودشیفتگی معنادار است.

نتیجه‌گیری و بحث

این مطالعه با هدف بررسی روابط ساختاری خودبزرگ‌بینی با تجارب آسیب‌زای دوران کودکی: نقش میانجی قلدری سایبری در نوجوانان در میان نوجوانان انجام شده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که تجارب آسیب‌زای دوران کودکی تأثیر مستقیم و معناداری بر خودبزرگ‌بینی و قلدری سایبری در نوجوانان دارد. این نتایج با مطالعات پیشین لی، آیینوار و ژانگ (۲۰۲۴)، پینگ و هان (۲۰۲۴)، باغاتارهان، سبیز و وازسونی (۲۰۲۳)، فانگ و همکاران (۲۰۲۳)، چویلوخ و بلاخنیو (۲۰۲۲) و (ناگاتا، ترامپتر و سینگ، ۲۰۲۲) و کیرکابورون و همکاران (۲۰۲۰) که تأثیرات منفی تجارب آسیب‌زای دوران کودکی بر ویژگی‌های شخصیتی و قلدری سایبری را تأیید کرده‌اند، همخوانی دارد. از منظر روان‌شناختی، کودکانی که در دوران کودکی خود مورد سوء استفاده یا غفلت قرار گرفته‌اند، اغلب با مشکلاتی مانند کاهش عزت‌نفس، احساس ناامنی و نیاز به جلب توجه دیگران مواجه می‌شوند (شن، ۲۰۲۴، ص. ۴۳). این عوامل می‌توانند به شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی خودبزرگ‌بینانه و رفتارهای قلدری سایبری منجر شوند، زیرا این افراد از طریق رفتارهای پرخاشگرانه و تحقیر دیگران به دنبال جبران کمبودهای روانی خود هستند (پینگ و هان، ۲۰۲۴، ص. ۲۶).

این نتایج نشان می‌دهد که تجارب آسیب‌زای دوران کودکی، به‌ویژه سوء استفاده عاطفی، جسمی یا جنسی و همچنین غفلت، می‌تواند به شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی ناسازگارانه مانند خودبزرگ‌بینی منجر شود (مترللیوز و اولویول، ۲۰۲۴، ص. ۱۶). این یافته‌ها با نظریه‌های روان‌شناختی مانند نظریه دلبستگی ناسازگار و نظریه جبران روانی همخوانی دارد. این نظریه‌ها بیان می‌کنند که کودکان

در معرض آسیب‌های روانی، به دلیل تأمین نشدن نیازهای عاطفی و امنیت روانی، ممکن است در آینده به رفتارهایی روی آورند که هدف آنها جبران کمبودهای روانی و احساسی گذشته است (دشاباش و همکاران، ۲۰۲۴، ص. ۸).

یکی از دلایل علمی این یافته‌ها می‌تواند این باشد که تجارب آسیب‌زای دوران کودکی منجر به ایجاد احساس ناامنی و بی‌اعتمادی در فرد می‌شود. این احساسات منفی می‌توانند باعث شوند که نوجوانان به‌منظور جبران این ناامنی‌ها، به ویژگی‌های خودبزرگ‌بینانه روی آورند (لی، هیوبنر و تیان، ۲۰۲۴، ص. ۱۹). خودبزرگ‌بینی به آنها این امکان را می‌دهد که احساس قدرت و کنترل بیشتری بر محیط خود داشته باشند و از این طریق، احساسات آسیب‌زای ناشی از تجارب کودکی را سرکوب کنند (هوانگ، ۲۰۲۵، ص. ۷). این موضوع با پژوهش‌هایی که نشان داده‌اند خودبزرگ‌بینی اغلب به‌عنوان یک مکانیزم دفاعی برای مقابله با احساسات منفی عمل می‌کند، همخوانی دارد.

یافته‌ها همچنین نشان داد که قلدری سایبری به‌عنوان یک متغیر میانجی، نقش مهمی در رابطه بین تجارب آسیب‌زای دوران کودکی و خودبزرگ‌بینی ایفا می‌کند. نوجوانانی که در کودکی آسیب‌های روانی و عاطفی را تجربه کرده‌اند، ممکن است در فضای مجازی از طریق قلدری سایبری به دنبال جلب توجه، کنترل دیگران و اثبات برتری خود باشند (سان و همکاران، ۲۰۲۲). فضای مجازی به دلیل ماهیت غیرمستقیم و ناشناس بودن آن، بستری مناسب برای بروز این رفتارها فراهم می‌کند. این رفتارها به نوجوانان اجازه می‌دهد بدون ترس از پیامدهای فوری، احساس قدرت و برتری خود را تقویت کنند (چن و ژئو، ۲۰۲۲، ص. ۲۱). این یافته‌ها با پژوهش‌هایی که نشان داده‌اند قلدری سایبری اغلب با ویژگی‌های شخصیتی خودبزرگ‌بینانه و پرخاشگری مرتبط است، همسوست.

از منظر روان‌شناختی، قلدری سایبری می‌تواند به‌عنوان یک مکانیزم جبرانی عمل کند که از طریق آن نوجوانان احساسات منفی ناشی از تجارب آسیب‌زای دوران کودکی را مدیریت می‌کنند. این رفتارها به آنها این امکان را می‌دهد که احساسات قدرت و کنترل بیشتری را تجربه کنند و از این طریق، احساسات ناامنی و ضعف خود را جبران کنند (کائو و همکاران، ۲۰۲۴، ص. ۲۸). همچنین، قلدری سایبری می‌تواند به تقویت ویژگی‌های خودبزرگ‌بینانه منجر شود، زیرا این رفتارها به نوجوانان اجازه می‌دهد که توجه و تأیید دیگران را جلب کنند و احساس برتری خود را تقویت کنند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به خودگزارش دهی متغیرها که موجب حذف برخی از اطلاعات می‌شود اشاره کرد همچنین پرسشنامه تجربه آسیب‌زای دوران کودکی شامل گویه‌هایی بود که خاطرات دردناک نوجوانان شرکت‌کننده در پژوهش را یادآوری می‌کرد. افت آزمودنی‌ها نیز از دیگر محدودیت‌های این پژوهش بود با توجه به نتایج حاصل‌شده، پیشنهاد می‌شود از ابزارهای اندازه‌گیری گوناگون مانند مصاحبه نیز استفاده شود. همچنین نمونه‌گیری معرف جامعه بوده و نسبت‌های جنسیتی رعایت شود. در رابطه با تأثیر اهمیت رابطه والدین و فرزندان پیشنهاد می‌شود برنامه‌های مشاوره و پیشگیرانه مفیدی برای والدین تدوین گردد و با استفاده از بستر فضای مجازی، تأثیرات منفی بی‌توجهی، غفلت و تنبیه به والدین و مراقبان اولیه آموزش داده شود. نتایج این پژوهش ارتباط خودبزرگ‌بینی با تجارب آسیب‌زای کودکی و در ادامه ارتباط این دو متغیر را با قلدری سایبری نمایان کرد.

References

- Akarsu Ö, Budak Mİ, Okanlı A. The relationship of childhood trauma with cyberbullying and cyber victimization among university students. *Arch Psychiatr Nurs*. 2022 Dec;41:181-187. [DOI.ORG/10.1016/j.apnu.2022.06.004](https://doi.org/10.1016/j.apnu.2022.06.004). Epub 2022 Jun 23. PMID: 36428046.
- Ames, D. R., Rose, P., & Anderson, C. P. (2006). The NPI-16 as a short measure of narcissism. *Journal of research in*, doi.org/10.1016/j.jrp.2005.03.002.
- Antoniadou N, Kokkinos CM, Markos A. (201) Development, construct validation and measurement invariance of the Greek cyber-bullying/victimization experiences questionnaire (CBVEQ-G). *Computers in Human Behavior*. 65: 380-390. doi.org/10.1016/j.chb.2016.08.032
- Bağatarhan, T., Siyez, D. M., & Vazsonyi, A. T. (2023). The importance of narcissism and impulsivity for bullying and cyberbullying perpetration. *Violence and Victims*, 38(6), VV-2022-0149.R1. [DOI.ORG/10.1891/VV-2022-0149](https://doi.org/10.1891/VV-2022-0149)

- Basharpour, S. and Zardi, B. (2019). Psychometric Properties of Cyber-Bullying/Victimization Experiences Questionnaire (CBVEQ) in Students. *Journal of School Psychology*, 8(1), 43-57. doi: 10.22098/jsp.2019.795. DOI.ORG/ 10.22098/jsp.2019.795(Text in Persian)
- Benítez Sillero, J. D., Falla, D., Córdoba Alcaide, F., & Zych, I. (2024). Bullying, cyberbullying, and empathy as longitudinal predictors of self-esteem. *Psychology, Society, & Education*, 16(3), 63–71. DOI.ORG/10.21071/psye.v16i3.16243
- Bernstein DP, Stein JA, Newcomb MD, Walker E, Pogge D, Ahluvalia T, Stokes J, Handelsman L, Medrano M, Desmond D, Zule W.(2003). Development and validation of a brief screening version of the Childhood Trauma Questionnaire. *Child Abuse Negl.* 27(2):169-190.DOI.ORG/10.1016/s0145-2134(02)00541-0
- Cao, G., Wei, X., Liu, J., & Li, X. (2023). The association between childhood trauma and adolescent cyberbullying: Chain mediating roles of emotional intelligence and online social anxiety. *Frontiers in Psychiatry*, 14. doi.org/10.3389/fpsy.2023.1184382
- Cao, H., Wang, S., Zhou, N., & Liang, Y. (2024). From childhood real-life peer victimization to subsequent cyberbullying victimization during adolescence: A process model involving social anxiety symptoms, problematic smartphone use, and internet gaming disorder. *Psychology of Violence*, 15(1), 106–120. doi.org/10.1037/vio0000548
- Chen, K. (2024). The relationship between child abuse trauma and cyberbullying is analyzed from the perspective of social work. *International Journal of Education and Humanities*, 14(1), 249–252. DOI:10.54097/hh8xe977
- Chen, Q., & Zhu, Y. (2022). Experiences of childhood trauma and cyberbullying perpetration among adolescents in China. *Asia Pacific Journal of Social Work and Development*, 33(9). DOI:10.1080/02185385.2022.2077816
- Ćwieluch, P., & Błachnio, A. (2022). The moderating role of emotion regulation in the relationship between narcissism and cyberbullying. *Journal for Perspectives of Economic, Political, and Social Integration*, 27(2), 69–89. DOI:10.18290/pepsi-2021-0008
- Daşbaşı, S., Babahanoğlu, R., Kesen, N. F., & Saruç, S. (2024). Investigation of childhood traumas of individuals who experienced parental death in childhood or adolescence in Turkey. *Journal of Child & Adolescent Trauma*, 17(3), 899–909. doi: 10.1007/s40653-024-00629-2.
- Fang, J., Wang, W., Gao, L., & Yang, J. (2022). Childhood maltreatment and adolescent cyberbullying perpetration: A moderated mediation model of callous-unemotional traits and perceived social support. *Journal of Interpersonal Violence*, 37(7–8), 5026–5049. doi.org/10.1177/0886260520960106
- Fang, X., Zhang, K., Chen, J., & Chen, M. (2023). The effects of covert narcissism on Chinese college students' cyberbullying: The mediation of hostile attribution bias and the moderation of self-control. *Psychology Research and Behavior Management*, 16, 2353–2366. doi.org/10.2147/PRBM.S416902
- Farid, A., & Mosleh, S. Q. (2024). Testing the structural model of bullying among students based on attachment style with the mediating role of social-emotional competence. *New Educational Thoughts*, 20(3), 7-20. doi.org/10.22051/jontoe.2022.40247.3575 (Text in Persian)
- Geng, J., Bao, L., Wang, H., & Wang, J. (2022). The relationship between childhood maltreatment and adolescents' cyberbullying victimization: The new phenomenon of a "cycle of victimization." *Child Abuse & Neglect*, 134(2), 105888. doi.org/10.1016/j.chiabu.2022.105888
- Hwang, J. Y. (2025). The effects of childhood trauma on bullying - mental health. *International Journal of Multidisciplinary Research Updates*, 9(1), 001–012. doi.org/10.53430/ijmru.2025.9.1.0018
- Kircaburun, K., Demetrovics, Z., Király, O., & Griffiths, M. D. (2020). Childhood emotional trauma and cyberbullying perpetration among emerging adults: A multiple mediation model of the role of problematic social media use and psychopathology. *International Journal of Mental Health and Addiction*, 18, 548–566. doi.org/10.1007/s11469-018-9941-5
- Kircaburun, K., Jonason, P. K., Griffiths, M. D., & Aslanargun, E. (2021). Childhood emotional abuse and cyberbullying perpetration: The role of dark personality traits. *Journal of Interpersonal Violence*, 36(11–12), 11877–11893. doi.org/10.1177/0886260519889930
- Li, J., Huebner, E. S., & Tian, L. (2024). Linking childhood maltreatment to cyberbullying perpetration and victimization: A systematic review and multilevel meta-analysis. *Computers in Human Behavior*, 156(4), 108199. doi.org/10.1016/j.chb.2024.108199

- Li, M., He, Q., Zhao, J., & Xu, Z. (2022). The effects of childhood maltreatment on cyberbullying in college students: The roles of cognitive processes. *Acta Psychologica*, 226(1–2), 103588. DOI.ORG/ [10.1016/j.actpsy.2022.103588](https://doi.org/10.1016/j.actpsy.2022.103588)
- Li, S., Ainiwaer, K., & Zhang, Y. (2024). The relationship between childhood trauma and cyberbullying: A meta-analysis of mainland Chinese adolescents and young adults. *Humanities and Social Sciences Communications*, 11(1). doi.org/10.1057/s41599-024-03274-0
- Li, S., Ainiwaer, K., & Zhang, Y. (2024). The relationship between childhood trauma and cyberbullying: A meta-analysis of mainland Chinese adolescents and young adults. *Humanities and Social Sciences Communications*, 11(1). doi.org/10.1057/s41599-024-03274-0
- Li, S., Liu, H., & Yu, G. (2022). Childhood maltreatment and cyberbullying victimization: Roles of maladaptive self-cognition and gender. *Current Psychology*, 42(3), 1–12. DOI.ORG/[10.1007/s12144-022-03854-w](https://doi.org/10.1007/s12144-022-03854-w)
- Meterelliyoz, K. Ş., & Uluyol, Ö. B. (2024). Childhood traumas and depressive symptoms: The moderating role of anxiety sensitivity. *Neuropsychiatric Disease and Treatment*, 20, 1889–1900. Doi.org/ [10.2147/NDT.S478681](https://doi.org/10.2147/NDT.S478681)
- Nagata, J. M., Trompeter, N., & Singh, G. (2022). Adverse childhood experiences and early adolescent cyberbullying in the United States. *Journal of Adolescence*, 95(3). DOI.org/ [10.1002/jad.12124](https://doi.org/10.1002/jad.12124)
- Norouzi A, Monirpour N, Mirzahoseini H. (2022). Marriage Stability Based on the Quality of Parental Relationship and Attachment: The Mediating Role of Narcissism, Alienation and Experience of Usness. *Rooyesh*. 11(5), 183-196. DOI.ORG/ [20.1001.1.2383353.1401.11.5.6.13575](https://doi.org/20.1001.1.2383353.1401.11.5.6.13575) (Text in Persian)
- Shen, Y. (2024). The relationship between childhood psychological abuse and cyberbullying behavior among graduate students: The mediating role of negative coping style and trait anxiety. *Frontiers in Psychiatry*, 15. DOI.ORG/[10.3389/fpsy.2024.1497407](https://doi.org/10.3389/fpsy.2024.1497407)
- Silva, S., Figueiredo, P., Ramião, E., & Barroso, R. (2022). Childhood trauma and cyberbullying perpetration: The mediating role of callous-unemotional traits. *Victims & Offenders*. personality, 40(4), 440-450. DOI.ORG/[10.1080/15564886.2022.2126574](https://doi.org/10.1080/15564886.2022.2126574)
- Soleimani A, Lashkari A, Torabi Y.(2021). The Relationship between Trauma and Psychological Well-Being: The Mediating Role of Fear of Happiness and Alexithymia. ۱۹(۱) :۱۱۶-۱۲۷. DOI.ORG/[20.1001.1.17352029.1400.19.1.13.0](https://doi.org/20.1001.1.17352029.1400.19.1.13.0) (Text in Persian)
- Sun, Z., Ding, W., Chu, X., & Xie, R. (2022). The relationship between perceived childhood harsh parental discipline and cyberbullying among college students: A moderated mediation model. *Journal of Adult Development*, 30(4), 1–13. DOI.ORG/ [10.1007/s10804-022-09432-5](https://doi.org/10.1007/s10804-022-09432-5)
- Sun, Z., Ding, W., Chu, X., & Xie, R. (2022). The relationship between perceived childhood harsh parental discipline and cyberbullying among college students: A moderated mediation model. *Journal of Adult Development*, 30(4), 1–13. DOI.ORG/ [10.1007/s10804-022-09432-5](https://doi.org/10.1007/s10804-022-09432-5)
- Tavali, A., & Zandnejad, F. (2023). The mediating role of callousness-lack of empathy traits in the relationship between family social support and bullying of female adolescents. *Modern Educational Thoughts*, 19(3), 45-65. DOI.ORG/[10.22051/jontoe.2022.40444.3587](https://doi.org/10.22051/jontoe.2022.40444.3587) (Text in Persian)
- Ying, H., & Han, Y. (2024). How childhood psychological abuse affects adolescent cyberbullying: The chain mediating role of self-efficacy and psychological resilience. *PLOS One*, 19(9). doi.org/[10.1371/journal.pone.0309959](https://doi.org/10.1371/journal.pone.0309959)

